

اتحاد "نا مقدس" مسکین یار - حسن امیری و شرکاء

کانون دزدان، چپاولگران، آدم کشان، جعل کاران، و جاسوسها!!

اتحاد منحرف سازی، مسکین یار - امیری و شرکاء، قبل از اینکه سازهای نفرت آور کهنه و پوسیده تبلیغاتی ارگانهای استخباراتی و اطلاعاتی مافیای چندین ملیتی بین المللی وابسته به انحصارات سرمایه داری تجاوز گر و غارتگر در رابطه به ماهیت و اعضای رزمنده ح.د.خ.ا. را بیشرمانه بنوازد، بهتر است به حال و جنایات ننگین خود گریه کند، و از رو سیاهی خویش شرم داشته باشد.

بهرتر خواهد بود که از خانه کاغذی دیگران به سنگ نزنند!

در گزارش مختصر سابق خود اینجانب توضیحاتی ارائه کردم که معلومات جدیدی در باره جنایات مسکین یار - حسن امیری بدست آمده، متعاقباً به نشر سپرده میشود، که اینک امروز فشرده ای از گزارش محترم میر عزت الله صافی افسر متقاعد پلیس که در سالهای قبلی تهیه و در سایت "مشعل" انتشار یافته است، غرض آگاهی هموطنان و شناسائی دقیقتر آن چهره های کثیف در اتحاد "نا مقدس" مسکین یار و حسن امیری، نشر میگردد.

* * *

میر عزت الله صافی افسر متقاعد پلیس، میگوید: ". . . افتخار خدمتگزاری دهه دموکراسی بابا ملت اعلیحضرت همایونی . . . محمد ظاهر شاه فقید را داشتیم و در ردیف وظایف قوماندان امنیه ولایت باستان بامیان نیز بودم.

- طبق اظهارات مرحوم سناتور - بامیان - سیغانی، پدر حسن سیغانی (امیری) که در ملاقات های دوستانه خود با من حال دل میداشت که : ذات ملوکانه و سردار عبدالولی در زمان حضور یابی

خود از تک تک بزرگان قوم و سناتوران میطلبیدند که در میان اجتماعات و شهر های کشور جلو . . . پخش و ترویج جریانات و اندیشه های وارد شده خارجی . . . گرفته و جوانان منحرف را سرزنش نمایند، و در زمینه با قوای امنیتی و قضایی همکاری نمایم!

- جناب سناتور سیغانی از گرایش و عضویت فرزند خود به جریان تند و افراطی شعله جاوید و روحیه کمونیستی و بی دینی و بی خدائی او که آقای حسن جان باشد پریشان و تشویش داشت !!

- در آن روزها تظاهرات معارف و پوهنتون در کابل به تشدید خود رسیده بود، و بنده معاون اول قوماندان ولایت کابل اجرا وظیفه داشتم که از وزارت داخله دستور گرفتاری محرکین و سرکرده گان تظاهرات خیابانی داده شد که پلیس 169 تن محرکین چپ . . . و شعله جاوید را دستگیر نمود که نزد شان اسناد، شب نامه ها ، لیست ترور مخالفین سیاسی خود ، تخریب و به آتش سوزی سرای های تجارتی ، مغازه ها و غارت و تاراج بانکها از نزد شان به دست آمد که تحت رهبری آقای حسن سیغانی و دیگران پلان گردیده بود.

- اگر آقای "امیری" به خاطر داشته باشند، بنده گناهکار موصوف را نیمه شب از توقیف فرار داده، که فردا مرحوم سناتور سیغانی با عصبانیت . . . گفتند: «من به جناب پادشاه عهد نموده بودم که اگر پسر کافر و مرتد گردد، نخست خودم نابودش میکنم و ثانیاً در زیر قدم های شاه او را نابود میکنم و اکنون شما یک مرتد را ، یک دهری را . . . رها نمودید، کار خوب نه کردید!»

- قضیه تظاهرات، تمام تعداد از محرکین به جزای اعمال خود رسیدند ولی حسن امیری متواری مناطق کوهدامن گردید و اکثراً در منازل غلام حضرت الماس قره باغی و مجید کلکانی بسر میبرد، که کارشان تهدید مردم و سرمایه داران و تقاضای پول بود و یا ا اختطاف فرزندان آنها بود و اکثراً راه گیر بودند.

- چون اطلاع رسید تعداد دزدان به رهبری مجید کلکانی، غلام حضرت الماس ، حمزه رووف و حسن سیغانی (امیری) تعداد شان به ۱۲۰ تن رسیده و تلاش دارند قطعه نظامی حسین کوت را محاصره نمایند و سلاح آنرا غنیمت گرفته به کوه های اوفیان، گل غندی پروان ، فرزه متواری شوند بناً پلیس کابل محدوده قوای اردو تحت دستور مستقیم معاون وزیر دفاع و پیژندوال وزارت دفاع تورن جنرال جبار ملکیار به عملیات پرداخته که مخفی گاه های آنها کشف و مقدار هنگفت اموال سرقت شده مردم و تقریباً ۲۰۰ تن کشمش مردم پروان و کوهدامن و مقدار هنگفت پول نقد دزدی شده به دست پلیس افتاد، ۶۷ تن به شمول حسن امیری دستگیر گردیدند، که بعداً طی ملاقات

با رسول جان ریس ضبط احوالات صدرات و سید منصور اغا مستنطق ماهر ضبط احوالات،
اقای حسن جان امیری همکاری نزدیک خود را با ضبط احوالات ابراز داشت.

- آقای حسن چون میر شکار در میان نهضت های چپ و مترقی نفوذ و آنها را به چنگال استخبارات
تسلیم میداشت. !

- در یکی از روز های خزانی که در کابل دستگیری ها و به جوخه دار زدن های حفیظ الله امین
تشدید یافته بود، و ما نسبت تهدید جنرال تنی که مسئول آنزمان کارته سه بود به مسجد رفته نه
میتوانستیم، در سرک سرو صدا بلند گردید . . . از منزل خارج گردیدیم وبا چشمان حیرت آور و
تعجب متوجه شدم که پسر سناتور بامیان آقای حسن سیغانی (امیری) با تعداد . . . مسلح دو تن
از همسایه گان بیگناه را کشان، کشان طرف موتر ها میبرند و زمانی چشم بنده به حسن افتاد با
اطمینان نزدیکش رفتم تا انسانهای بیگناه را رها نماید، نه تنها رها نکرد، در مقابل چشمان فرزندان
و مردم کوچه به یک تن آنها فایر کلاشکوف نمود و به قتل رسانید و رو بطرف من کرد فردا
نوبت تو میرسد!

- فردا حاجی در کعبه نه بود، دیار هجرت و غربت اختیار نمودم. و هم اکنون در ملک که تحصیل
نمودیم- آلمان- اقامت داشته و زمانی برنامه آقای امیری را از تلویزیون آریانا متوجه میشدم،
میدانستم که تلویزیون یا از شعله ئی هاست و یا . . . و بر گفتار و جفنگش میخندیدم . . ! - آلمان.
مونشن-

* * *

اتحاد "نا مقدس" و لجن زار مسکین یار- امیری و شرکاء، منتظر معلومات جدید آینده، باشند . !!

عبدالاحد "زابلی"